

۱۰

آموزش سوال‌مالی
به کودکان



چه روزی قلم‌کم را بشکنم؟



نویسنده: مارک براون

مترجم: سودابه فرخنده





و گاهن آنها را به سینما دعوت کند.



فلکي آر تور همیشه خالی بود.

آرتور بلد نبود پول جمع کند.
او دلش می خواست برای دوستانش **بستنی** بخرد.





ولی یک روز آرتور گفت: «می‌خواهم پول‌هایم را پس‌انداز کنم.»
و سه سکه توی قلکش انداخت.

جیرینگ! جیرینگ! جیرینگ!

خواهرش دوروتی از او پرسید: «برای چی پول جمع می‌کنی؟»

آرتور گفت: «این یک راز است!»



جمع کردن بطری ها...



و مراقبت از حیوانات.



آرتور راه های زیادی برای پول درآوردن پیدا کرد.



مثل کوتاه کردن چمن ها...

جارو کردن برگ ها...



آرتور پول هایش را در قلکی می ریخت که **روی میز** کنار تختش بود.
دوروتی پرسید: «برای چی پول جمع می کنی؟»
و آرتور جواب داد: «به هر کس بگویم، به تو یکن لقمه گویم.»

دوروتی گفت: «من می دانم!
برای آن بازی **خرگوش آهنی**
پول جمع می کنی که ماهان گفت
خیلی گران است و به **مغز** آسیب می زند.»

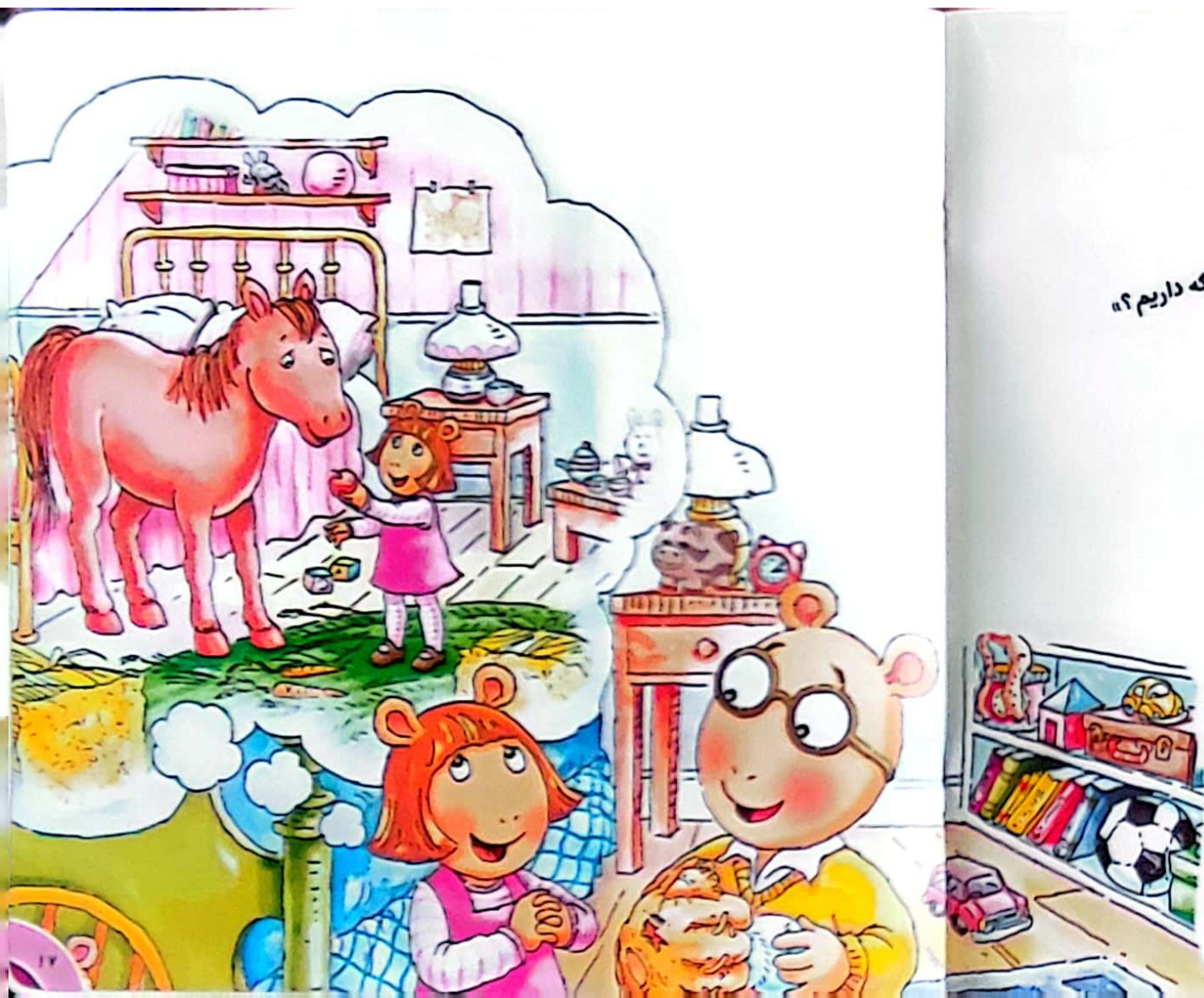


آرتور گفت: «اشتباه است. دوباره حدس بزن!»
دوروتن گفت: «من خواهی یک **دستکش** بسیار جدید بخری؟»
واو جواب داد: «نخ!»



دوروتی فریاد زد:
«فمیدم! حتماً یکی از این **اسکوترها**!»
آرتور گفت:
«حدس هایت همه غلط بود. حتی نزدیک هم نشدی!»





دوروتی گفت: «یک پونی.»

آرتور خندید و تکرار کرد: «یک پونی؟ پونی را کجا می توانیم نگه داریم؟»
«می تواند توی اتاق من بماند.»

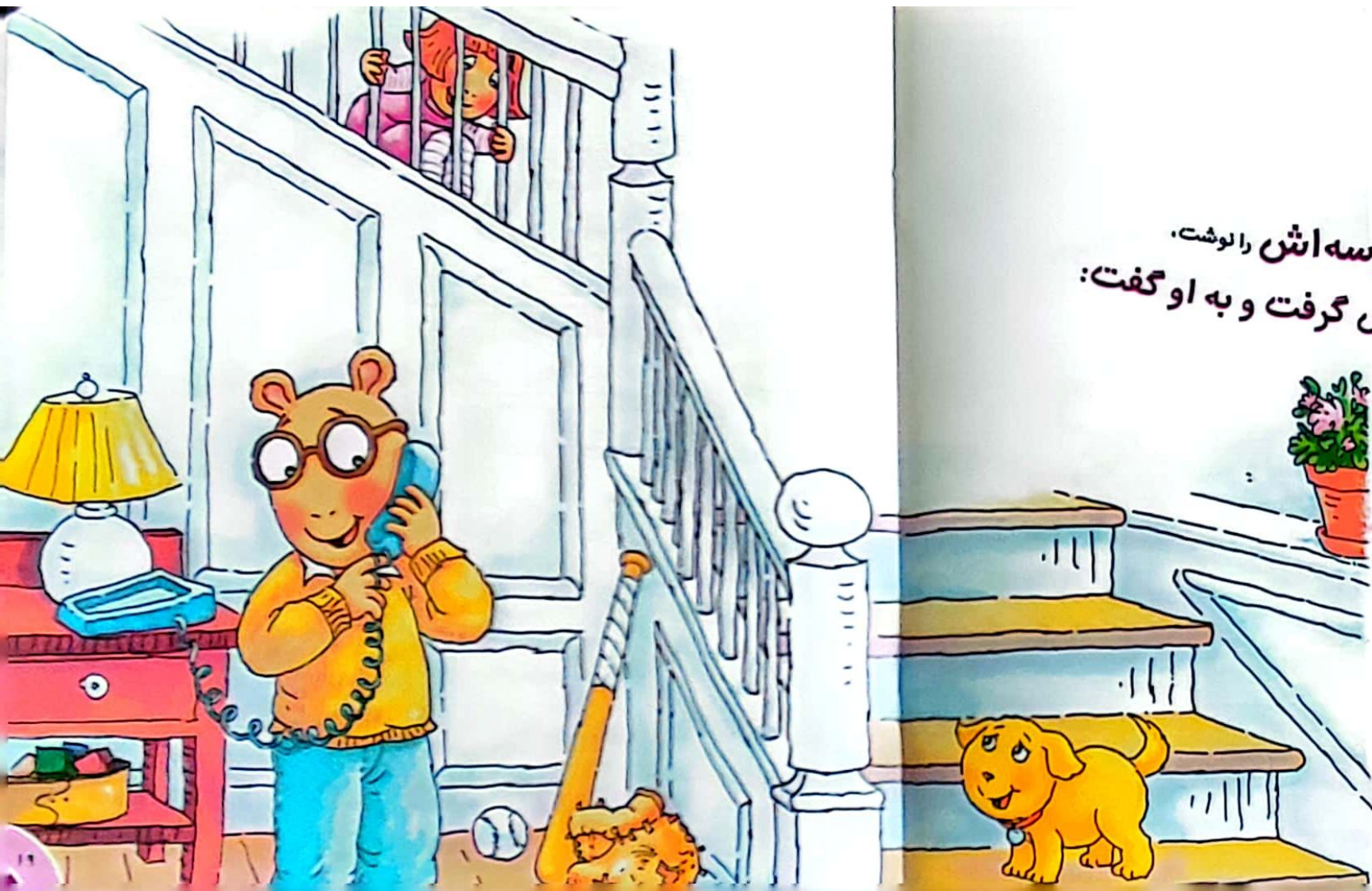
آرتور گفت: «من برای خریدن پونی پول جمع نمی کنم.»

دوروتی التماس کرد:

«پس چی؟ به من هم بگو.»

و آرتور جواب داد: «اصلاً و ابداً!»





آرتور بعد از اینکه تکالیف مدرسه اش را نوشت،
با دوستش، باستر، تماس گرفت و به او گفت:

«فردا می خواهم قلمم را بشکنم.

دیگر نمی توانم صبر کنم!

امیدوارم پول کافی داشته باشم.»



نوی **کشوها** یا حتی **زیر تخت** هم نبود
هیچ جای اتفاق نبود که نبود

آرتور فریاد زد:

«**قلکم را دزدیده اند!**»



صبح روز بعد، آرتور با **یک اتفاق وحشتناک** روبه رو شد!

قلک روی میز کنار تختش نبود. روی **میز تحریر** هم نبود.



پدر و مادر آرتور با عجله وارد اتاق شدند.

آرتور با ناراحتی گفت:

«حالا دیگر نمی‌توانم برای تولد دورتی آن خانه عروسکی گاوها را بخرم.

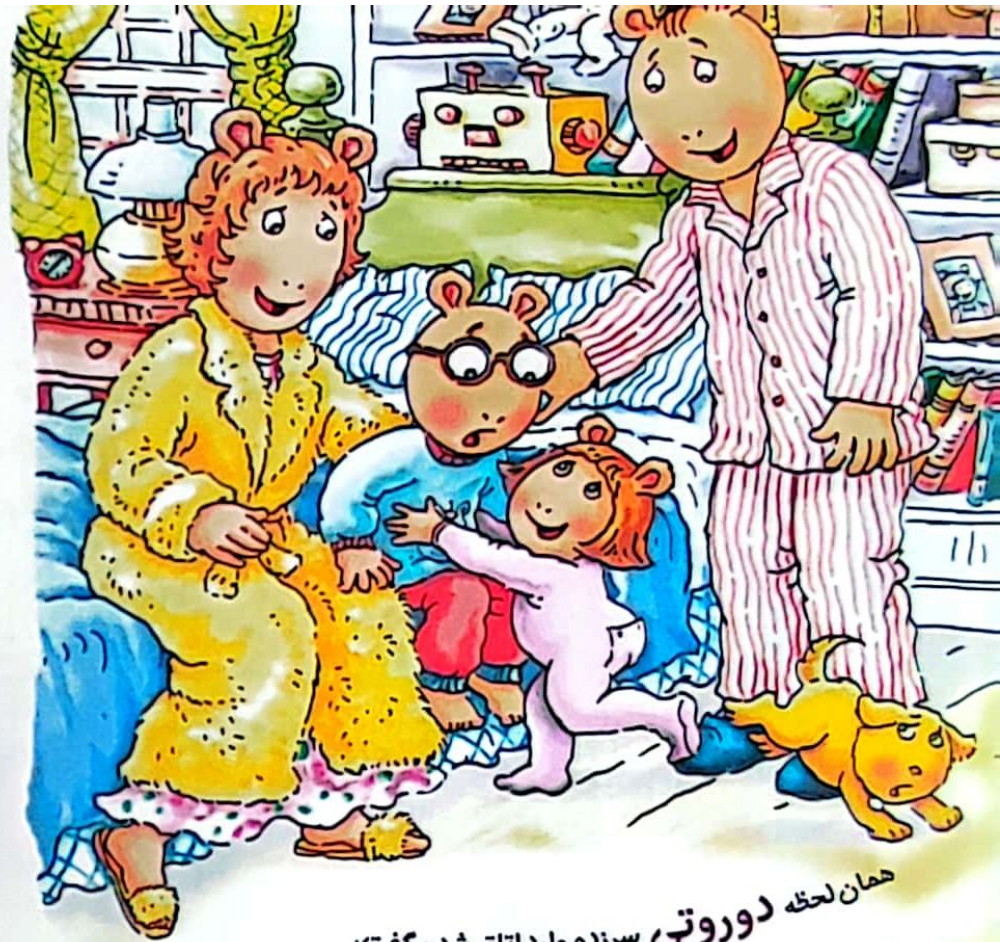
تولدش فرداست.»

مادر گفت: «نگران نباش.

فکر کنم کس دیگری آن خانه‌ی عروسکی گاوها را برایش می‌خرد.»



دوروتی گفت: «جایی نرو. الان برمی گردم!»
و به سرعت رفت توی اتاقش.



همان لحظه دوروتی سرزده وارد اتاق شد و گفت:
«یعنی تمام آن کارها را برای من انجام می دادی؟» و برادرش را بغل کرد.



دوروتی با قلک آرتور برگشت.

آرتور به خواهرش گفت: «چرا این کار را کردی؟ دزد کوچولو!»

دوروتی جواب داد:

«من قلکت را برداشتم تا جلوی دستت نباشد.

می ترسیدم با پولت چیز به درد نخوری بخری!»



دوروتی ادامه داد:

«حالا کلی پول داری که مطمئن می‌توانی با آن خانه عروسکی گاوها را
با همه‌ی وسایلش برایم بخری!»



۱۱ دوره
ناشر نمونه
کشور
سال های
۷۴،۷۲
۷۹،۷۸
۸۴،۸۳
۹۱،۸۸
۹۵،۹۴
۱۳۹۶

ناشر برگزیده ۶ دوره

در جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد
(آموزش و پرورش)

آرتور خیلی اهل پس انداز نیست. در عوض عاشق این است که دوستانش را به انواع و اقسام خوراکی‌ها مهمان کند. اما اتفاقی برای آرتور می‌افتد که تصمیم می‌گیرد رفتارش را تغییر دهد. او باید برای یک هدف، پس انداز و تا روز دستیابی به آن هدف، صبر کند و به پول‌هایش دست نزند. اما چه هدفی؟

جایگاه کتاب در استاندارد آموزش سواد مالی

تصمیم‌گیری مالی

مدیریت ریسک و بیمه

سرمایه‌گذاری

کارایی و درآمد

اعتبار و بدهی

خرج و پس انداز

پول توجیبی

هدف‌های پس انداز



کتاب‌ها کاینفته

واحد کودک و خردسال
موسسه انتشارات قدیانی

www.ghadyani.org

دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، روبه روی دانشگاه، خیابان فخر رازی، خیابان شهدای
زانداری (غربی)، شماره ۹۰، کد پستی: ۱۳۱۲۷۲۲۸۶۱، صندوق پستی: ۱۷۹۲-۱۳۱۲۵
• تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۳۳۱۰
• دورنگار: ۰۲۱-۶۶۴۰۳۲۶۴

آکادمی
هوش مالی
نست طلایی زندگی



ISBN 978-600-08-0425-1



9 786000 804251

